

## تکنوپولی سازمانی

شیوه مبارزه و برخورد فناوری بسیار ویژه و استثنایی است؛ مستقیم به حریف نمی‌پردازد، نمی‌خواهد آن را از مشروعیت بپندارد یا از شهرت آن بکاهد؛ بلکه فقط آن را نامرئی و بی‌تأثیر می‌کند و به خانواده، سیاست، مذهب، روشنفکری، آزادی و فرهنگ مفهومی می‌بخشد که توقعات این تکنولوژی انحصارگرا (تکنوپولی) را برآورده سازد.

خانه با بیگانه دادی تا بروید زان غبار

نک همی بینی ترا روید و خود صاحبخانه شد

و این پدیده را چه پروژه و طرح بدانیم و چه یک فرایند طبیعی بپنداریم، نتیجه آن برای جوامع یکسان است. در بحث یکسان‌سازی و یا یکسان‌شدن (بخوانید نابودی خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های بومی) که این روزها دغدغه مهم یونسکو و سازمان ملل است، نیز بحث غلبه و انحصار فرهنگ بیگانه مطرح است، بیگانه‌ای که صاحب فناوری مسلط است. این فقط مشکل کشورهای جنوب نیست. در جلسه امسال رؤسای کتابخانه‌های ملی جهان که در اسلو تشکیل شد، رئیس کتابخانه ملی فرانسه از این پدیده درد دل‌ها داشت و رسماً معترض بود. غلبه فناوری بر فرهنگ به مدد فناوری‌های نوین مثل شبکه‌های ماهواره‌ای و به ویژه اینترنت با سرعت شگفت‌انگیزی در جریان است. در مدتی کمتر از چند ماه همان رفتاری را که در جوانان و نوجوانان نیویورکی می‌بینیم، در میان جوانان و نوجوانان محله چینی‌های هاوانا، محله چینی‌های کوآلا لامپور و میدان محسنی هم مشاهده می‌کنیم.

با آنکه توجه به این مباحث در حوزه اجتماع و سازمان‌ها در بسامان کردن برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند

زمانی به نیل پستمن منتقد اجتماعی معترض شده بودند که چرا این قدر بر فناوری‌های نوین خرده می‌گیرید و بر آنها می‌تازید. در پاسخ گفته بود، این فناوری‌ها به اندازه کافی مدافع و حامی دارد، جای منتقدان آن خالی است. در جامعه ما نیز اظهار اعتقاد به کاربرد فناوری‌های نوین که از دستاوردهای شگرف انسان است، حالت بیان اصول دین به خود گرفته است و در گفتار همگان - گرچه در کردار لنگی بسیار داریم - ظهور می‌یابد. آنچه کمتر به آن پرداخته شده، چگونگی به‌کارگیری و تأثیر آن بر فرهنگ و رفتار سازمانی است.

در باره ارتباط علم، تکنولوژی و فرهنگ، بحث‌های هستی‌شناسانه ارزشمندی شده است. بحثی که مارتین هایدگر برخلاف تفکر رایج، در تقدم فناوری بر علم مطرح می‌کند، از ارزشمندترین این مباحث است. این بحث‌ها بعدها توسط دن آیدی دنبال شد و هم او به استناد مطالعات لین وایت نشان داد که تقدم تکنولوژی بر علم فقط به لحاظ فلسفی مطرح نمی‌شود بلکه شواهد تاریخی بسیار نیز برای اثبات آن وجود دارد. نیل پستمن هم معتقد است که سه اختراع مهم قرون وسطا یعنی ساعت، چاپ و دوربین نجومی بر روند تحولات علمی و فرهنگی تأثیری سرنوشت‌ساز داشته‌اند.

اما مبحث مهمی که در بیان دیدگاه‌های بسیاری از متفکران متأخر مطرح می‌شود، بحث غلبه فناوری بر فرهنگ است. فناوری با فرجه شدن و به قدرت رسیدن، از خود یک امپراتوری ساخته است که موجب از میدان به در شدن حقیقت می‌شود. به قول آلدوس هاکسلی

سازمان‌هاست، که متأسفانه در سازمان‌ها حتی به سطح نخستین و اولیه آن یعنی شناسایی، هم کمتر پرداخته می‌شود.

در بعضی سازمان‌ها اصالت در اجرای طرح‌های فناوری‌ست. ابتدا بودجه‌ای معین می‌شود که باید در حوزه فناوری هزینه شود، سپس عناصر مربوط دست به فعالیت زده و طرح‌تراشی می‌کنند؛ هرگونه مخالفتی نیز دال بر کم‌دانشی ناقد قلمداد خواهد شد. با این اوصاف به نظر می‌آید به جای بحث معرفت‌شناسانه تکنوپولی باید به بحث رفتارشناسانه تکنوپولی (تکنولوژی پول‌مدار) پرداخت؛ یعنی فناوری که باید به عنوان ابزار با هدف بهینه‌سازی عملکرد در خدمت سازمان‌ها قرار گیرد، تبدیل به ابزاری برای جذب و جلب هر چه بیشتر منافع فردی می‌شود. در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی این تکنولوژی پول‌مدار چنان فریبکارانه می‌نمایاند که گویی همه کتابخانه‌های عالم دست از کتاب شسته‌اند و به مانیتور و صفحه کلید رو آورده‌اند. به نظر می‌آید به سمع مبارکشان نرسیده است که رئیس نروژی ایفلا با جمله « جاوید باد کتاب » به سخنان خود پایان داد. به نظر می‌آید تکنوپولی هدفی جز کسب منفعت ندارد و باقی استدلال‌ها هم بهانه است. بنای این فناوری پول‌مدار صرفاً بر جذب و جلب بودجه بیشتر استوار است.

#### فریبرز خسروی

تأثیر راهبردی داشته باشد اما به نظر می‌آید هنوز سازمان‌های ما نیاز به پرداختن به لایه‌های بیرونی ندارند. به طور کلی برای کاربرد هرگونه فناوری در محیط‌های سازمانی توجه به عوامل و منابع زیر ضروری می‌نماید:

۱. عوامل فرهنگی؛

۲. عوامل روانشناختی اجتماعی؛

۳. عوامل سیاسی؛

۴. منابع انسانی؛

۵. منابع اقتصادی.

پیش از پرداختن به آنها و بیش از همه، باید شناخت کامل و جامعی از وضع موجود سازمان بدون سوگیری‌های متداول به دست آورد تا مناسب‌ترین سخت‌افزار و نرم‌افزار برای آن تدارک دیده شود. برای پیمودن درست این مسیر مراحل زیر ضروری به نظر می‌رسد:

#### — شناسایی

رشد و گسترش آگاهی نسبت به همه فناوری‌هایی که در حوزه سازمان می‌تواند تأثیرگذار باشد از ضرورت‌هاست. شناخت فناوری‌های رایج و حتی پیش‌بینی فناوری‌های آینده در تصمیم‌گیری‌ها نقشی حیاتی ایفا می‌کند.

#### - انتخاب

انتخاب هر نوع فناوری می‌تواند کلیت سازمان را تحت تأثیر قرار دهد و موجب درگیر شدن منابع انسانی، مالی و اقتصادی سازمان شود به همین دلیل مرحله‌گرزینش و ابعاد گوناگون آن باید به درستی تجزیه و تحلیل شود.

#### — اکتساب و بهره‌برداری

در این مرحله پس از گزینش؛ تثبیت و جاناندازی این فناوری‌ها در درون سازمان مطرح می‌شود. ایجاد فرهنگ مناسب و بومی‌سازی فناوری از مسائلی است که باید بدان پرداخت. طرح‌ریزی شیوه‌کاربرد فناوری جدید، و ادغام فعالیت‌های منتج از آن باید به گونه‌ای باشد که امکان نوآوری و عملکرد بهینه بخش‌های مختلف سازمان فراهم آید. توجه به این مراحل از ضرورت‌های اولیه هرگونه برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در